



میرمهنایی که نادر  
ابراهیمی از دل  
تاریخ غربت بیرون  
کشید چنان نفس  
راهزنان دریایی غربی  
را گرفته بود که خوف  
حضور وی کافی بود  
تا کشتی‌هایشان را با  
ناوگان مسلح همراه  
کنند، اما حمله‌های  
رعدآسای این جوان  
جنوبی چنان بود  
که هیچ کشتی در  
خلیج فارس از حضور  
وی در امان نبود

راهزن معرفی می‌کردند، واقعیتی وجود دارد ناگفته. پس با ذهن دقیقش وارد تاریخ شد و ناگفته‌ها را بیرون کشید. این جملات را به نقل از هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و البته پرتغالی‌های متجاوز در خلیج فارس بخوانید: «ما سعی می‌کنیم میرمهنای را یک دزد دریایی مثل همه دزدهای دیگر معرفی کنیم، اما واقعیت این نیست.

ما اکنون با حریفی بسیار جسور، متکی به توده‌های گرسنه اما بسیار امیدوار به آینده روبه‌رو هستیم. مردی که افسانه‌های قدیمی ابرمردان را در ذهن بسیاری از عابران کوچه باغ‌های دریای جنوب زنده کرده است؛ میرمهنای... میرمهنای مردی است که از ۷۰ جهت همانند ندارد و شیوه رزمیدن دریایی‌اش مطلقاً منحصر به فرد است و غیرقابل دفاع تا حد زیادی البته. در زمان حاضر هیچ کس و هیچ گروهی در دریای پارس و سراسر جنوب بر سر راه ما کمین نمی‌کند و به ما حمله نمی‌کند و راه‌های آبی و خاکی را به روی ما نمی‌بندد به جز همین میرمهنای.» صص ۲۴۸ و ۲۴۹ ج ۱

در نهایت این است که ایران بزرگ همیشه مورد طمع دیگران بوده و هرگاه این کشور دولت قوی و مقتدری داشت بیگانگان پاپس کشیده و مجبور شده‌اند از موضع پایین وارد شوند و هرگاه ایران مانند دوران میرمهنای دغابی کشوری آشفته و پریشان و بدون حکومت مقتدر مرکزی بود، جولانگاه سربازان موبور شده است. [

**اصلاحیه آگهی دعوت مجمع عمومی عادی  
انجمن صنفی کارفرمایان تولیدکنندگان  
لواستر و چراغ‌های تزئینی استان تهران**

پیرو آگهی مجمع عمومی درج شده مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۲  
در روزنامه جام جم مقام دعوت‌کننده هیأت مدیره انجمن  
صنفی کارفرمایان تولیدکنندگان لواستر و چراغ‌های تزئینی  
استان تهران می‌باشد.

هیأت مدیره انجمن

## آگهی دعوت مجمع عمومی عالی نوبت اول

شرکت تعاونی مسکن آب و فاضلاب جنوب شرقی استان تهران به شماره ثبت ۵۶۱

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول که رأس ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۹۸/۰۶/۰۲ در محل دفتر مرکزی شرکت به نشانی: ورامین، مجتمع ادارات خیابان دولت طبقه زیرزمین ساختمان مرکزی شرکت آب و فاضلاب جنوب شرقی استان تهران تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.

❖ یادآوری می‌شود:

- ❖ در صورتی که حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد، می‌تواند حق حضور و اعمال رأی از سوی خود را به نماینده تام‌الاختیار خود واگذار نماید؛ در این صورت هیچ کس نمی‌تواند نمایندگی بیش از ۳ عضو را بپذیرد. همچنین برگه‌های نمایندگی مزبور با امضاء رئیس هیأت‌مدیره و مهر تعاونی معتبر خواهد بود.
- ❖ مصوبات مجمع عمومی در صورت رسمیت یافتن و عدم مغایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضای اعم از حاضر و غایب نافذ و معتبر خواهد بود.
- ❖ ضمناً داوطلبان عضویت در هیأت تصفیه موظفند تا ۷ روز پس از صدور دعوت نامه تشکیل مجمع عمومی عادی، مدارک مربوطه را جهت ثبت نام به دفتر شرکت تعاونی تحویل نمایند.

❖ دستور جلسه: ۱- انتخاب اعضای هیأت تصفیه ۲- تعیین محل و مدت تصفیه

اسماعیل کاظمی - عضو هیأت‌مدیره و مدیر عامل

نگاهی به زندگی میرمهنای دغابی، قهرمان مبارزه با استعمار در خلیج فارس

# فارسی حرف بزن اجنبی!



مصطفی وثوق‌کیا

روزنامه‌نگار

❖ «آهای دیلماج بدنهاد! به اربابانت بگو که بعد از این، اگر می‌خواهند با ما حرف بزنند، بروند فارسی یاد بگیرند. چشمشان کورا! ما بعد از این با جمیع بیگانگان به زبانی که می‌دانیم حرف می‌زنیم - بدون واسطه - و هیچ زبانی هم به جز فارسی نمی‌دانیم.»

تاریخ‌نویسان غربی که صدها سال قبل گذرشان به خلیج فارس افتاده بود و قصد طمع و غارت این سرزمین را داشته‌اند در یادداشت‌هایشان از آن روزها از جوانی یاد کرده‌اند که همیشه مزاحمشان بوده و حتی آنها را مجبور می‌کرده به زبانی غیر از زبان مادری‌شان حرف بزنند، برخلاف رویه آنها که هر جا را فتح می‌کردند زبان و دین و حتی فرهنگشان را هم غالب می‌کردند. آنها در مطالبشان این جوان را راهزن و یاغی معرفی می‌کردند، اما واقعیت غیر از این بود و البته از بیگانه‌انتهای جز دشمنی نیست.

حالا برگردید سطور اولیه این و جیزه را دوباره بخوانید. در این روزگار احتمالاً تعجبی ندارد که سربازان وطن در تنگ‌هرمز کاروان کشتی‌ها و ناوهای جنگی را مجبور کنند تا جوابشان را به زبان فارسی بدهند، چون در این دوره ایران در منطقه قدرت‌نمایی می‌کند و امنیت تنگه را فراهم و آمدوشدکنندگان به خلیج فارس می‌دانند با چه کسی طرف هستند. این فعلاً وصف روزگار کنونی است، اما این که صدها سال قبل جوانی بخواد استعمارکنندگان انگلیسی، پرتغالی، هلندی و عثمانی را مجبور کند به زبان فارسی حرف بزنند از آن رویاهای دور و دراز بوده است، چه این که بدانیم در آن دوران تمام حاکمان جنوب و مرکز ایران همگی به نوعی سر در آخور این تازه‌واردان به ایران و منطقه داشتند و این میرمهنای دغابی، وصله‌ای نچسب برای آنان بود.

میرمهنای دغابی به روایت نادر ابراهیمی بعد از سال‌ها در کتاب «بر جاده‌های آبی سرخ» به آنچه حقیقت بود رسید و اصل ماجرا روایت شد، هر چند در جنوب ایران میرمهنای ارج‌وقرب زیادی داشت، اما همچنان اکثر او را همان راهزنی می‌دانستند که غربی‌ها گفته بودند. میرمهنای جوانی بود که پدرش حاکم ریگ و مضافات بود و البته سرسپرده هلندی‌ها و پرتغالی‌ها و این مسئله میرمهنای را خوش نمی‌آمد، پس با همکاری برادرانش پدر و عمویش

را کشت و خود حاکم منطقه شد. به قدرت رسیدن وی معادلات را عوض کرد و دیگر این موبورهای غربی به راحتی نمی‌توانستند در جنوب ایران جولان دهند و سطور آغازین این مطلب، جوابی بود که میرمهنای



اما حمله‌های رعدآسای این جوان جنوبی چنان بود که هیچ کشتی در خلیج فارس از حضور وی در امان نبود؛ البته آنانی که سرمایه‌های مردم ایران را غارت می‌کردند هدف این جوان جنوبی بودند.

نادر ابراهیمی خوب می‌دانست که در پس نوشته‌های غربی‌ها که میرمهنای را دزد و